

نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت

پیمان سلیمان پور^۱
تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۵
مسعود جعفری نژاد^۲
تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۶
احمد آذین^۳
چکیده:

در این مقاله هدف اصلی، تبیین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای تامین امنیت توسط نیروهای مسلح است. از آنجایی که محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی محیطی مملو از چالش‌ها و تهدیدات اسای است، در نتیجه از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تا کنون، نیروهای مسلح به عنوان اصلی‌ترین مولفه تامین امنیت و مقابله با نفوذ مطرح هستند. در این راستا، سوال اصلی این‌گونه مطرح شده است که نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت چیست؟ در پاسخ این فرضیه‌ی محوری مطرح شده است که نیروهای مسلح با استفاده از مولفه‌های اعتقادی و همچنین تقویت توان دفاعی نقش مهمی در تامین امنیت دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مولفه‌های اعتقادی از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا کنون به عنوان عامل اصلی و اساسی نیروهای مسلح مطرح بوده است. همچنین با توجه به محیط ناامنی که ایران در آن قرار دارد، تقویت توان موشکی و اتخاذ بازدارندگی نیز به عنوان رکن دیگر در تامین امنیت و مقابله با نفوذ موثر بوده است. نوع روش تحقیق در این رساله، بنیادی - نظری با رویکردی تاریخی و همچنین بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار بوده است.

کلمات کلیدی: سیاستگذاری، جمهوری اسلامی ایران، دشمن، نفوذ، امنیت، نیروهای مسلح.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاستگذاری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران

محیط امنیتی هر جامعه ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فرم‌اسیون های اجتماعی، فعالیت های سیاسی، ایدئولوژی و ارزش ها، مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا بی نظمی جهانی، تکنولوژی، مسابقه ی تسلیحاتی و موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. چنین محیطی امنیتی، همواره حامل «تهدیدات» و «فرصتهایی» است. که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلت شان از آنان نصیبی می برند.

کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت در جنوب غربی آسیا واقع شده و بخش وسیعی از فلات ایران را در برمی گیرد. موقعیت خاص ایران نیز که در مرکز ثقل یکی از بزرگترین شبکه های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به آسیا و خاور دور وصل می کند. بطوری که از قدیم الایام چهار راه تمدنها محسوب گردیده و از نظر موقعیت دریایی و زمینی از موقعیت فوق العاده مناسبی برخوردار می باشد.

بطوری که ارزش «ژئوپولیتیکی» ایران به حدی است که هر گونه تغییری در حاکمیت آن توانسته است موازنه ی «منطقه ای» و «جهانی» را بر هم زند. به همین سبب بازیگران اصلی «منطقه ای و فرامنطقه ای» همواره در ادوار مختلف تاریخی نقش تعیین کننده ای را در معادلات قدرت برای ایران قائل هستند. به طوری که یکی از دغدغه ها و معضلات محیط امنیتی خارجی ایران، دست اندازیهای نهان و آشکار این بازیگران بوده است.

پس می توان براحتی نتیجه گرفت که محیط امنیت خارجی ایران بطور ذاتی عرصه ی کشمکشهای خاص عصر خود بوده است.

با تمام تحولات انجام شده در امر تکنولوژی و ارتباطات، تجارب جنگ های گذشته این نکته را ثابت کرده که هرگاه کشوری دارای یک موقعیت «ژئواستراتژیک» باشد، هیچگاه نمی تواند خود را از تحولات جهانی دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد، زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود؛ و باید سعی کند با درک موقعیت، به عنوان یک وزنه ی استراتژیک وارد عمل شود و با بهره گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه ی کشور و ملت خود گام بردارد. بر این اساس کشور «جمهوری اسلامی ایران» به لحاظ جایگاه بی بدیل ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط های امنیتی را به ویژه در سطح منطقه ای دارا می باشد.

چالشهای امنیتی با عنایت به محیط های متغیر امنیتی در حال دگرگون شدن است. ایران با پیروی انقلاب اسلامی خویش، محیط امنیتی داخلی و منطقه ای را دچار تحول اساسی نمود و نگاه جهانیان را به خود جلب کرد. در این میان سیاستهای امنیتی ایران بنابر اقتضا و فضای عمومی جامعه، ترسیم و تدوین گردید. نگاه سخت افزاری به امنیت در دوران پس از پیروزی انقلاب امری اجتناب ناپذیر بود، تا اینکه تحولات اجتماعی پس از پایان جنگ یکباره، رویکردهای نرم افزاری و میان رشته ای را تقویت نمود و این امر با تغییر در گروه های اجتماعی از یک سو و تحول ساختاری از سوی دیگر همراه بود به طوری که اکثر صاحب نظران و دولتمردان به این نتیجه رسیده بودند که امنیت، صرفاً با نبود یک تهدید خارجی میسر نمی شود بلکه، عدم درک صحیح از واقعیات اجتماعی و مقاومت در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی، خود می تواند به یک تهدید امنیتی تبدیل گردد از این رو توان پاسخگویی سیستم به تقاضا، نهادینه کردن نهادهای مدنی و رواج فرهنگ نقد و نقدگرایی، حل مشکلات معیشتی و اقتصادی و... از جمله عوامل بازدارنده ضد امنیتی محسوب می شود.

با توجه به این امر، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی تا کنون، درصدد تأمین امنیت و مقابله با نفوذ دشمنان بوده اند. در این راستا، تسلیح و تجهیز نمودن آنان به آخرین دستاوردهای تسلیحاتی و نظامی و افزایش توان رزمی آنان و رفع مشکلات ایشان و تقویت روحیه آنان به منظور مقابله با دشمنان داخلی و خارجی به عنوان مولفه ای اصلی و اساسی قلمداد شده است.

تعریف امنیت

امنیت را می توان تأمین آسایش و راحتی خیال و نبود شرایط خوف و ترس در زندگی فردی و اجتماعی یا وجود مجموعه شرایطی دانست که به انسان توانایی حرکت و برنامه ریزی برای تغییر وضعیت فعلی به وضعیتی بهتر را می دهد.

اما رویکرد امنیت فردی و اجتماعی از دیدگاه دو جهان بینی مادی و معنوی تفاوت ماهوی زیادی دارد به گونه ای که:

در جهان بینی مادی امنیت فردی و اجتماعی از آن جهت مورد تأکید است که می تواند به ابعاد مادی زندگی انسان پاسخ دهد و آن را توسعه بخشد. مثلاً لیبرالیست ها، در اقتصاد، امنیت را عاملی برای رشد و توسعه اقتصادی ذکر می کنند.

ولی در جهان بینی مادی امنیت فردی و اجتماعی برای سود و لذت و بقای حاکمان و صاحبان ایدئولوژی مربوط به بند کشیده می شود. لیبرال دمکراسی، کمونیسم و سوسیالیسم هر کدام به شکلی و براساس منافع خود امنیت فردی و اجتماعی را تقسیم می کنند.

سایر مکاتب مادی روشی آخر و غوغای جهانی امروز منشأش همین است. در حقیقت، مراد آنها از امنیت، امنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی با هر حجم و در ابعاد وسیع، امنیت رقابت و امنیت اجتماعی در ابعاد گوناگون آن است. به این معنا که هر عاملی که می تواند بر رشد مصرف گرایی و تولید و توسعه آن موثر باشد باید تقویت شود و عنصر امنیت برای ادامه حیات

ان عامل لحاظ شود. اما جهان بینی معنوی امنیت فردی یا اجتماعی را برای رشد و تکامل فرد و اجتماع به سوی اهداف واقعی و متعالی می داند. (رضاپور، ۱۳۸۹: ۵۴).

در تحولات مفهوم امنیت عوامل زیادی دخیل هستند از جمله تغییرات در فرهنگ ملل و انسان ها، تغییرات در نوع تمدن ها، تغییرات در پیشرفت فناوری و حتی نوع گرایش انسان ها به ادیان و کذاهب همگی در تغییر مفهوم امنیت دخیل بوده و هستند و امروز جلوه های جمعی و اجتماعی امنیت بر جلوه های فردی آن پیشی گرفته است.

سطوح امنیت

نظریه های گوناگون موجود در حوزه امنیت ملی به نحوی مبحث امنیت ملی را در سطوح فردی، ملی و جهانی مطرح و تعامل و ارتباط این سطوح را با یکدیگر بررسی کرده اند. به عنوان مثال، سطح تحلیلی مکتب کپنهاگ را بوزان این چنین بر شمرده است: تحلیل امنیت در سه سطح جهانی، منطقه ای و داخلی صورت می پذیرد. در سطح جهانی بیشتر به تحلیل عملکرد و سیاستهای قدرت های بزرگ نظر داریم. در سطح منطقه ای حیطه قلمروی تحلیل محدود می شود و روندها و قدرتهای منطقه ای بیشتر مدنظر هستند. سرانجام، سطح داخلی است که در آن شرایط، سیاستها و عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت در نظر است. این سه سطح باید همگی مورد توجه دقیق علمی در مقام تحلیل امنیت قرار گیرد. با این حال به علت تحلیلهای منطقه ای، چنین به نظر می رسد که این سطح، نیازمند توجه بیشتری است. از آنجا که هر منطقه مقتضیات امنیتی ویژه خود را دارد، طبعاً تحلیلهای امنیتی آن به شکل متفاوتی از سایر مناطق صورت می پذیرد و یکسان انگاری نظری و عملی به هیچ وجه روا نیست. (بوزان، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

امنیت ملی را از جنبه ای دیگر تقسیم بندی نموده اند، در این نوع تقسیم بندی، امنیت ملی به امنیت داخلی و خارجی تقسیم می شود. این تفکیک برای تبیین مفهومی امنیت ملی در کشورهای توسعه نیافته و تفاوت های موجود میان جهان اول و سوم، سودمند می باشد.

اهمیت امنیت و نقش راهبردی نیروهای مسلح

در گذشته، امنیت هر جامعه فقط با قدرت نظامی و سلاح و تجهیزات سنجیده می شد امروزه نیز اگرچه تنها قدرت تسلیحاتی برای جوامع امنیت نمی آورد ولی در کنار سایر ابزارهای غیرنظامی، قدرت دفاعی با رویکرد نظامی کماکان دارای ارزش است. به سخن دیگر در کنار اقدامات دستگاه دیپلماتیک کشور، سازمان دفاعی هر کشور نیز می تواند با انجام اقداماتی از قبیل انعقاد پیمانها دفاعی دوجانبه و همکاری علمی و فنی نظامی با دیگر کشورها تعامل داشته باشد تا به این طریق از پیوستن آن کشور یا کشورها در ردیف کشور غیر دوست جلوگیری به عمل آورد (غفوری، ۱۳۸۶: ۱۹).

تردید وجود ندارد که هر کشوری برای ماندگاری و تأثیرگذاری به «دفاع» نیازمند است و اگر مقوله دفاع وجود نداشته باشد، امنیت به عنوان مهم ترین و نخستین نیاز فرد و اجتماع حاصل نخواهد شد؛ چراکه اجرای هرگونه فعالیت در ابعاد گوناگون و به طور کلی هرگونه پیشرفت و توسعه، در پرتو امنیت و آرامش به دست می آید. (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

امنیت در یک جامعه، هنگامی بروز خواهد کرد که آن جامعه بتواند در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود از قدرت لازم و کافی برخوردار باشد. به همین دلیل افزایش توان دفاعی و قدرت بازدارندگی، یکی از مهم ترین شیوه های حراست از امنیت یک کشور محسوب می شود. در این راستا دیپلماسی دفاعی، می تواند با فراهم نمودن بسترهای لازم، شرایط را برای دستیابی به تجهیزات و تسلیحات دفاعی مورد نیاز مهیا کند (پیراسته، ۱۳۹۶: ۱۰۰)

با وجود این که در عصر حاضر نگاه به امنیت محصور به بعد نظامی نیست، اما هرگز جایگاه آن کم رنگ نشده است؛ زیرا در دنیایی که کشورهای دارای حق حاکمیت، قدرتی را بالاتر از خود نمی شناسند و پیوسته با یکدیگر برای دستیابی به ابزارهای جنگی مدرن رقابت دارند. همچنین وجود سوابق تاریخی اعمال خشونت در قرن پیشین، ارتقای قدرت نظامی و دفاعی همچنان به عنوان یکی از ابعاد اساسی امنیت اهمیت خود را حفظ کرده است. در واقع دولت ها با داشتن توان نظامی و دفاعی برتر می توانند امنیت بیشتری به دست آورند. از این رو از منظر قرآن کریم تهیه، تولید و انباشت سلاح و تجهیزات موردنیاز، برای تشکیل نیروی مسلح مقتدر به منظور تأمین امنیت و دفع تجاوز و تنبیه و سر جای خود نشانیدن متجاوز و نیز برقراری توازن قدرت، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. (سوره انفال، آیه ۶۰).

دفاع از استقلال و شرف ملت، یکی دیگر از اهداف مهم دفاع مشروع در منظر مقام معظم رهبری به شمار می آید. «استقلال» که به معنای داشتن قدرت تصمیم گیری و سیاست گذاری همراه با اعمال این تصمیمات و سیاستها در حیطه حاکمیت است، خصیصه مهم و اساسی برای یک کشور محسوب می گردد؛ چراکه اگر کشوری استقلال نداشته باشد، یعنی در سلطه و اقتدار کشور دیگری باشد، نمی تواند هیچ نقشی در عرصه داخلی و بین المللی ایفا کند. از این رو حفظ استقلال امری لازم و حیاتی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این موضوع تأکید شده که: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و تمامیت ارضی و وحدت کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است.

راهبردهای نیروهای مسلح در جهت تامین امنیت

۱- تقویت فناوری های دفاعی به مثابه راهبردی در جهت مقابله با نفوذ

به کارگیری فناوری نانو در صنایع نظامی، به خصوص در زمینه امنیتی - دفاعی در سال های اخیر توجه محققان زیادی را جلب کرده است. استفاده روز افزون از این فناوری در تجهیزات نظامی و دفاعی مسیریایی را به سوی بهبود اسلحه ها در خصوص دقت و قدرت تخریب، و یا ابتکار در ساخت مواد با وزن سبک و مقاوم در برابر دمای بالا برای هواپیماها، راکت ها ایستگاه های فضایی همواره کرده است. تسلط اطلاعاتی از طریق نانو الکترونیک پیشرفته، توانایی مهم نظامی، کارایی بالاتری را در ساخت تجهیزات نظامی و یا استفاده از ربات های پیشرفته به جای استفاده از انسان ایجاد کرده است. در رزمنامه های جنگ های آینده، نیروهای نظامی با استفاده از سلاح های هوشمند، قادر خواهند بود از مراکز فرماندهی خود به سمت دشمن شلیک کنند. در دوران دانایی، سرعت دست یابی و به کارگیری دانش فنی است

که می‌تواند شکست یا پیروزی سازمان‌ها را معین کند. از آنجا که کارکنان با ابزارهای فنی و ارزش‌های انسانی سروکار دارند، دانش فنی و مهارت می‌تواند مبنایی برای کارایی بلندمدت سازمانی واحدهایی را فراهم کنند که می‌خواهند دانش را نهادینه سازند. نیاز سازمان‌های نیروهای مسلح به هوشمندی کسب و کار و مدیریت دانش از دیگر سازمان‌ها بیشتر است. (شفیعی زاده و حاجی غلام، ۱۳۸۸: ۴۹).

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق‌شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی؛ یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود. در بحث به کارگیری تجهیزات توماس سی شیلینگ در کتاب تسلیحات و نفوذ می‌گوید "با توجه به قدرت مطلق و عملکرد ماهرانه و با برخورداری از قوه یابکار، کشور می‌تواند بعضی از خواسته‌هایش را به دست آورد و بعضی از چیزهایی را که دارد حفظ کند؛ با توسل به زور کشور می‌تواند جذب، دفع و نفوذ کند؛ اشغال و تسخیر نماید؛ نابود کند؛ خلع سلاح و ناتوان سازد محدود کند، دشمن را از دسترسی محروم سازد و مداخله کند یا حمله‌ای را خنثی کند. او می‌تواند همه‌ی این کارها را به تنهایی در صورتی که از «قدرت کافی» برخوردار باشد، انجام دهد" به همین منظور استفاده کامل از قدرت تسلیحاتی و نظامی ضروری است تا نیروهای مسلح سازمان یافته و متعادل خود را به نحوی که متناسب با نیازهای ویژه آنها است داشته باشند.

۲- راهبرد روانشناسی نظامی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای تامین

امنیت

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نیروی نظامی مکتبی دارای ویژگی منحصر به فردی است که آنرا از سایر نیروهای نظامی متمایز می‌سازد. این ویژگی باعث می‌شود تا از افرادی مومن، فداکار، مکتبی و جهادگر در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد. وجود این چنین نیروهایی حاکی از این واقعیت است که به کارگیری روانشناسی نظامی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیاز به یک بازبینی در مبانی و اصول این علم دارد. این مهم متأثر از نگرش متفاوتی است که نسبت به انسان و ابعاد وجود او در آموزه‌های دینی و اسلامی وجود دارد. تفاوت در مفاهیم هستی‌شناسی، انسانی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی باعث می‌شود تا کاربرد علم روان‌شناسی در نیروهای مسلح نیازمند تغییر و تحولاتی باشد. که بخش عمده این تغییر و تحولات به گستره و غنای این علم خواهد افزود هنگامی که به انسان از دریچه معارف الهی نگریسته می‌شود. دنیای شگرفی از ابعاد پیچیده انسان پیش روی روانشناسان گشوده می‌شود که تا قبل از آن برای آنها امکان‌شناسایی آن وجود نداشته است گستره دید آنها را فراتر از آنچه در حس و مشاهده می‌گنجد، توسعه خواهد داد. وقتی تعریف انسان از مبانی انسان‌شناسی الهی رقم می‌خورد، ابعاد وجودی اش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های روان‌شناختی اش از دریچه وحیانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، تصویری از انسان و ابعاد

۴ وجودی اش ترسیم می گردد که با آنچه در علوم رفتاری غرب ارایه می شود، متفاوت خواهد بود. (کرمی نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱). در هر حال روانشناسی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همچون سایر کشورها از کاربردهای فراوانی برخوردار است. اما این کاربردها زمانی که مبتنی بر آموزه های دینی، تجارب و ارزش های دفاع مقدس قرار گیرد، گستره ای فراتر از آنچه در علوم رفتاری غرب وجود دارد، ارایه خواهد شد.

۳- حفظ آمادگی و توان رزمی

توان رزمی به طور کلی به سه بخش عمده، عوامل نامحسوس و غیر فیزیکی، عوامل محسوس و فیزیکی و عوامل برتر ساز تقسیم می شود. سامانه مدیریت و فرماندهی نظامی پیوسته به دنبال راهکارهایی است که با ارتقا و بهره گیری از این عوامل شایستگی ها و توان جنگیدن را افزایش دهد و نیروی انسانی و تجهیزات را در بهترین وضعیت نگهداری کند. (ولفرام، ۱۳۸۲: ۱۱۱) عملیات روانی با اجرای تبلیغات مناسب در بخش عوامل نامحسوس از قبیل روحیه، انگیزه و ایمان وارد می شود و در ارتقای این عوامل برنامه ریزی می کند. در زمینه ی عوامل محسوس شامل تجهیزات و ادوات، فناوری های مختلفی مورد بهره برداری نظامی قرار می گیرند و عوامل برتر ساز؛ یعنی استفاده از شرایطی که در عملکردهای نظامی قرار می گیرند به منظور ارتقای وضعیت کیفی، بهینه سازی و موفقیت نیروها، اطلاعات و آگاهی های لازم را در اختیار فرماندهان و کارکنان قرار می دهد. بر این اساس، عملیات روانی نقش و کارکرد نیروهای مسلح را در اجرای مأموریت ها پشتیبانی می کند و زمینه های ارتقای آمادگی رزمی را فراهم می سازد.

۴- جلوگیری از جریانانات ضد قدرت

عملیات روانی در حوزه ی کارکردهای قدرت، قابلیت های عملیاتی و واکنش سریع، تجهیزات و سلاح ها به ویژه وسایل و جنگ افزارهای راهبردی، طرح ها و برنامه ها، اطلاعات امنیتی و طبقه بندی شده در مقابل دسترسی دشمن، دارای طرح و برنامه های اجرایی بوده و سعی می کند با اجرای برنامه های تبلیغاتی و دادن آگاهی های لازم به کارکنان به هر گونه جریان ضد قدرت در نیروهای مسلح به ویژه آن دسته از آثار جنگ روانی دشمن که برای از بین بردن روحیات سلحشوری، اعتقادات، باورها، ایثار، شهادت طلبی و وفاداری کارکنان انجام می گیرد و با قدرت نظامی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح منافات دارد مقابله کند تا بدین طریق از کارکردهای قدرت حفاظت به عمل آورد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۱: ۶۲)

۵- مقابله با جنگ روانی دشمن

دشمن با اجرای جنگ روانی به فکر بی اثر کردن کارکردهای قدرت امنیتی نیروهای خودی است و فعالیت های روانی خود را بر این اساس طرح ریزی و اجرا می کند، او با تهیه برآوردهای اطلاعاتی نقاط ضعف و قوت، آسیب پذیری، نیت رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی طرف مقابل راهکارهای نیروهای خود را ارزیابی و بر پایه آن اقدامات جنگ روانی خود را برنامه ریزی و اجرا می کند؛ به عبارت دیگر هدف دشمن خنثی سازی توانایی ها و نفوذ از

طریق نقاط ضعف و آسیب پذیری ها است در این چشم انداز حالات روحی و روانی و اعتقادات نیروهای خودی بیشترین آماج حملات روانی دشمن قرار می گیرد.

عملیات روانی وظیفه دارد در این وضعیت ضمن خنثی و بی اثر کردن جنگ روانی دشمن نیروهای خودی و آمادگی رزمی آنها را تقویت کند، ارتقای سطح وفاداری، ایثار و شهادت طلبی از جمله اموری است که در قالب تبلیغات بر کارکنان نیروهای مسلح توسط کارشناسان عملیات روانی صورت می پذیرد.

۶- جلوگیری از جنگ و رویارویی مستقیم

جلوگیری از جنگ یکی از کارکردهای عمده عملیات روانی در نیروهای مسلح است متخصصان عملیات روانی مستمراً اطلاعات حساب شده ای را با هم فکری و مشاورت فرماندهان و مسئولان اطلاعاتی برای دشمن ارسال می کنند که حاوی توانمندی های تجهیزاتی، ادوات نظامی، وضعیت روحی، اعتقادات، باورها و وفاداری نیروی انسانی به ارزش های ملی و نظام حاکم است و سعی می کنند با بزرگ نمایی قدرت نظامی، پا در رکاب بودن و شایستگی نفرت در ابعاد ایمانی و تخصصی، دشمن از هرگونه تجاوز منصرف کند، این گونه فعالیت ها که در قالب اقدامات بازدارنده صورت می گیرد معمولاً به صورت رزمایش ها و مراسم نظامی اجرا می شود.

۷- سیاستگذاری جهت افزایش قدرت عملیات

کشورهای دارای نیروی مسلح مقتدر و کارآمد با مردم و جمعیت و خاک و قلمرو قوی از امنیت بیشتری برخوردارند به همین دلیل کشورهای بزرگ و ابرقدرت ها کمتر در خاک خود در جنگ و برخوردها درگیر بوده اند و یا اینکه کمتر به آنها حمله شده است ولی کشورهای ضعیف بیشتر مورد تعرض قرار گرفته و درگیر جنگ شده اند. (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۲۷)

در حال حاضر این اندیشه بر کشورها، حاکم است که چگونه ضریب بازدارندگی خود را افزایش دهند. از جمله استفاده از روش ها و راه کارهای افزایش نیرو، پراکنده کردن و استقرار آنها در فواصل منطقی، نگهداری سلاح، استتار و اختفاء، و ارتقاء ارتفاع پرواز هواپیماها، قدرت جابه جایی سریع استفاده از ترکیب مناسب نیرو، وادار سازی و باج گیری هسته ای است که هر کدام مفهوم خاص خود را دارد. (هالستی، ۱۳۷۳: ۵۱۲).

کارآیی نظامی را می توان طیف وسیعی از پیچیدگی های فزاینده در عرصه عملیات نظامی زمینی، دریایی و هوایی یکسان در نظر گرفت. در حالی که هریک از این عرصه های عملیات نظامی دارای «حوزه های» داخلی هستند که با «آستانه های» فناوری و یکپارچگی از یکدیگر متمایز می شوند. این روش حاکی از آن است که افزایش کارایی نظامی نیازمند نیروهایی است که نه تنها برای دستیابی به سخت افزارهای جدید بلکه برای تهیه ابعاد پیچیده و درهم تنیده ای از آن سخت افزارها به منظور بهره گیری مؤثر از فناوری، نیروی انسانی و دیگر منابع پشتیبانی خود، مجدانه تلاش می ورزند. (عصاریان نژاد و صنیعی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

مقبولیت هر نیروی مسلحی بیش از هرچیز به منزلت و جایگاه نیروی نظامی در جامعه بستگی دارد. در صورتی که جامعه و مردم برای نیروی مسلح مقبولیت و اعتبار لازم قائل باشند

و اهمیت خود را در پناه اقتدار آن بدانند، به نوع به خود سازمان نظامی از پشتیبانی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی کافی برخوردار خواهد بود و در این شرایط است که کارکنان این سازمان‌ها از روحیه‌ای که سه چهارم قوا تعبیر شده است برخوردار می‌شوند.

طبعاً عکس این حالت، یعنی جدا تصور شدن سازمان‌های نظامی از مردم و تلقی آن به عنوان اعمال کننده قدرت سیاسی صرفاً برای حفظ حاکمیت، طبعاً نمی‌تواند پشتیبانی‌های مردمی را همراه داشته باشد و نهایتاً چنین سازمان‌هایی نه اینکه نمی‌تواند در اقتدار ملی مؤثر باشد بلکه در واقع در مقابل مردم قرار می‌گیرند و باعث کاهش اقتدار ملی می‌شوند.

در صورتی که عوامل پیش گفته و یا عواملی از این قبیل که مورد توافق اکثر جامعه‌شناسان در ایجاد منزلت اجتماعی و حمایت مردمی از نیروی انتظامی است، ملاک سنجش منزلت اجتماعی حرفه نظامی نیز قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که این حرفه از جهات ارائه شده در مواردی از این خصوص برخوردار بوده است.

در جوامعی که مردم سازمان‌های نظامی را ناجی و سکان‌دار حرکت امنیتی کشور بدانند، افراد این سازمان‌های نظامی از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار خواهند شد و این جان کلام در زمینه ارتباط منزلت اجتماعی سازمان‌های نظامی اقتدار ملی به حساب می‌آید. (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۴۹)

۸- جمهوری اسلامی ایران و تلاش در جهت تقویت تکنولوژی دفاعی توسط نیروهای

مسلح

مشکل کشورهای در حال پیشرفت تنها موانع و محدودیت‌های مالی، فنی و صنعتی بر سر راه تولید سلاح‌های دفاعی نیست، بلکه موانع سیاسی هم در این زمینه نقش عمده ای دارند. در واقع، برخلاف کشورهای پیشرفته، کشورهای در حال توسعه حق ندارند هر سلاحی را که می‌خواهند به دست آورند و هر تکنولوژی را که مناسب و دلخواه تشخیص دهند، منتقل سازند، چرا که ممکن است امنیت و ثبات بین‌المللی یا منافع جهان پیشرفته را تهدید کنند.

در واقع، در حالی که از نظر بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت مشکل این است که بسیاری از تکنولوژی‌ها دور از دسترس و صعب‌الوصول هستند، از نظر غربی‌ها مشکل این است که این تکنولوژی‌ها، بیش از اندازه برای جهان سومی‌ها سهل‌الوصول شده است. به همین دلیل، مقررات ملی و رژیم‌های کنترل بین‌المللی مختلفی برای محدود کردن دسترسی کشورهای در حال توسعه به تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته ایجاد می‌شود، مانند رژیم کنترل تکنولوژی موشکی، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کمیته هماهنگ کننده کنترل‌های صادراتی چند جانبه. اقلام ممنوع در این گونه رژیم‌ها گاه اقلامی هستند که سلاح‌های اساسی و بازدارنده به شمار می‌روند، مانند مین، موشک؛ یعنی سلاح‌های که چه به لحاظ تأثیرات نظامی در مجموعه صحنه درگیری بین جهان سومی و کشور پیشرفته، چه از نظر سطح تکنولوژی و چه از نظر دسترسی پذیری به آن، بیشترین صرفه را دارند. این ممنوعیت‌ها از دو جنبه بر سیاست تکنولوژی دفاعی کشورها تأثیر می‌گذارد: جنبه نخست، محدود کردن دسترسی این کشورها به تسلیحات و تکنولوژی‌های مورد نظر و جنبه دوم، پر هزینه کردن

دستیابی به این اقلام پس از دستیابی به آن هاست، سیاست گذاران جهان سومی نیز باید هم زمان درباره دو موضوع متناقض تصمیم گیری کنند: نخست، اینکه ممکن است با این فکر که چون دسترسی به برخی اقلام تکنولوژی و تسلیحات حیاتی ممکن است، با مقررات کنترل حال یا آینده از بین برود، کسب توانایی تولید آن را در اولویت قرار دهند، مانند تکنولوژی موشک زمین به زمین؛ دوم، اینکه سرمایه گذاری روی این سلاح ها ممکن است با چنان واکنش بین المللی رو به رو شود که هزینه سیاسی بعدی از فایده دستیابی به آن سلاح و تکنولوژی تولید آن اهمیت بیشتری پیدا کند. می توان گفت که انتخاب بین این دو تصمیم، یکی از مشکل ترین تصمیم گیری ها در سیاست تکنولوژی دفاعی جهان سومی هاست، (حسینی، ۱۳۷۶: ۴۲).

مجموعه های دفاعی کشور بر حسب نوع ماموریت و مطالبات راهبردی خود، نیازمند نوآوری در تولید سامانه های دفاعی و همچنین فرآیندهای تولیدی آن ها هستند که محصولاتی با ویژگی های باز یا **BFC**، تولید و تحویل نیروهای عملیاتی دهند. یکی از موضوعاتی که در ارتقای نوآوری سازمان های فناور محور (نظیر صنایع دفاعی و نظامی) بسیار اهمیت دارد، مدیریت بر داراییهای دانشی و فناورانه است که از آن به مدیریت فناوری تعبیر می گردد. مدیریت فناوری بعنوان زیر سیستم نظام مدیریت سازمانی و یا رویکردی نوین در مدیریت رهبری مطرح نبوده بلکه پارادایمی جدید در علم مدیریت است که منجر به تولید ثروت می گردد. موفقیت و برتری رقابتی شرکت های موفق در عرصه جهانی حاصل از مدیریت صحیح بر دارائی های فناور محور آنهاست. (محمدی و صابرفرد، ۱۳۹۲: ۲۴).

برای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری در حال پیشرفت، سیاست دستیابی به تکنولوژی دفاعی برای حفظ و تامین امنیت ملی ضروری بوده و لذا آن را مدنظر قرار داده است. بنابراین، رژیم هایی مانند کنترل تکنولوژی موشکی هزینه دستیابی و ارتقای تکنولوژی موشکی را برای ایران مشکل می کند. هر چند به لحاظ هزینه - فایده با دستیابی ایران به تکنولوژی موشکی در ابعاد مختلف باعث افزایش ضریب امنیت ملی ایران شده است. اما دستیابی ایران به موشک های شهاب ۱ و ۲ و ۳ با واکنش بین المللی همراه بود که در ضمیمه قطعهنامه های شورای امنیت علیه ایران، ضمیمه رژیم کنترل تکنولوژی موشکی به کار رفته بود. پس از توافق در برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و اجرایی شدن برجام نیز شورای امنیت به الحاق قطعهنامه ای که منظم به ترتیبات ام تی سی آر می باشد، سعی در کنترل و از بین بردن فعالیت های موشکی ایران دارد.

۹- سیاستگذاری در تعاملات کارکردی نیروهای مسلح و سازمانهای امنیتی ج. ا. ا.

تعامل دو نهاد دفاعی و امنیتی ضمن اینکه همواره دو سازمان ها را در برابر غافلگیری و بحران پذیری مصون نموده و امکان ضربه پذیری و آسیب پذیری آنان را به حداقل ممکن می رساند، موجب شناخت دقیق سازمان ها از یکدیگر شده و اشتراکات و توانمندی ها را فعال کرده و اهداف کلیدی و مشترک آنان را هم راستا می نماید. از سوی دیگر این تعامل و ارتباط عمیق نمایشگر اقتدار و صلابت ملی کشور از نگاه دشمنان بیرونی است و شکل گیری و تقویت فرایند تعاملی با تمرکز بر همکاری و هم افزایی حوزه های دفاعی و امنیتی در یکپارچه سازی

برنامه‌ها علیه اقدامات دشمنان نظام اسلامی و در مجموع تأمین منافع امنیت ملی کشور را به دنبال خواهد داشت.

۱۰- مانورها و رزمایش‌های نظامی

اصولاً سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه‌ای مانند ایران، در پاسخ به سیستم کنترلی قدرت مداخله‌گر طراحی می‌شود. به عبارتی مهم‌ترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، استراتژیک محسوب شده و برای مقابله با آن سیستم بازدارندگی خود را طراحی می‌کنند، تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای در منطقه و اقدامات استراتژیکی آن است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۶۹).

در جهت اتخاذ سیستم بازدارندگی، رزمایش‌ها و مانورهای نظامی از اهمیت زیادی در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی برخوردارند. رزمایش‌ها و عملیات روانی در حوزه کارکردهای قدرت، قابلیت‌های عملیاتی و واکنش سریع، تجهیزات و سلاح‌ها به ویژه وسایل و جنگ افزارهای راهبردی، طرح‌ها و برنامه‌ها، اطلاعات امنیتی و طبقه‌بندی شده در مقابل دسترسی دشمن، دارای طرح و برنامه‌های اجرایی بوده و سعی می‌کند با اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و دادن آگاهی‌های لازم به کارکنان به هر گونه جریان ضد قدرت در نیروهای مسلح به ویژه آن دسته از آثار جنگ روانی دشمن که برای از بین بردن روحیات سلحشوری، اعتقادات، باورها، ایثار، شهادت طلبی و وفاداری کارکنان انجام می‌گیرد و با قدرت نظامی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح منافات دارد مقابله کند تا بدین طریق از کارکردهای قدرت حفاظت به عمل آورد. تبلیغات در نیروهای مسلح نقش عمده و ریشه‌ای در آگاه‌سازی و دادن اطلاعات لازم به کارکنان در طبقات مختلف دارد. مشخص کردن تمامی ابعاد تهدیدات، نیت و اهداف جنگ روانی دشمن، شیوه‌های نفوذ دشمن و اطلاعات لازم در زمینه توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های خودی باعث می‌شود که سطح آگاهی کارکنان ارتقا یابد و هنگامی که مخاطب جنگ روانی دشمن قرار می‌گیرند به گونه‌ای عمل کند تا به روحیه و وفاداری آنها خدشه‌ای وارد نشود، در این شرایط فرد می‌تواند با شناختی که از روش‌ها و شیوه‌های نفوذ دشمن دارد خود را در مقابل جنگ روانی دشمن حفاظت و از نفوذ او جلوگیری کند ایجاد آگاهی‌های بازدارنده در نیروهای مسلح از فعالیت‌های مهم عملیات روانی است که نیاز هست مدام و همپای فعالیت‌های روانی دشمن انجام گیرد. (موسوی و کامکار، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۸۰).

۱۱- راهبرد تشکیل ائتلاف‌های نظامی و تأمین امنیت

موضوعات مرجع دفاعی - امنیتی و هم‌چنین چیزهایی که موجودیت آن‌ها در معرض تهدید انگاشته می‌شود و تلاش مشروعی برای بقا دارند، می‌توانند شکل دهنده عناصر کارکردی پیمان‌های دفاعی باشند. این امر به مفهوم آن است که هر کشوری دارای اهداف بنیادین در حوزه دفاعی است. موضوعات مرجع را باید نقطه ثقل و شاخص محوری در ارتباط با دفاع و امنیت دانست. تمامی کشورها و هم‌چنین بازیگران منطقه‌ای، امنیت و بقا را در زمره موضوعات مرجع قرار می‌دهند. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

وقتی مناسبات نظامی رنگ و بوی امنیتی به خود می‌گیرد، دستور کار امنیت نظامی را تا حد بسیار زیادی ابزارهای زوری که دولت‌ها در اختیار دارند و تأثیر این ابزارها و دگرگونی‌های آنها در مسیر تعامل دولت‌ها شکل می‌دهد. پس دستور کار نظامی، رنگ و بوی امنیتی به خود می‌گیرد، دستور کار نظامی منطقی و ضرورت فناورانه متمایز و خاص خود را دارد، ولی از دیگر بخش‌ها جدا و منفک نیست. در کل، توانایی‌های نظامی دولت‌ها به شدت مشروط و مقید به مناسبات سیاسی است. این امر نشان می‌دهد که پیمان‌های دفاعی در زمره ابزارهای امنیتی برای کشورهای منطقه‌ای محسوب می‌شود. در دوران بعد از جنگ سرد، ضرورت‌های امنیتی فراتر از شرایط عمومی کشورها نقش آفرین خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران از نظر محیط منطقه‌ای، ایدئولوژیک و ارهبردی، دشمنان متعددی داشته و در معرض تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. از این رو ضرورت اقدام‌های برنامه‌ریزی شده در قالب دیپلماسی دفاعی بیشتر است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مشروعیت و موقعیت خود در منطقه خاورمیانه باید از اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک آن در تدوین راهبرد امنیتی/دفاعی خود بهره‌برداری کند. جمهوری اسلامی ایران، زمینه همراهی ایدئولوژیک با سازمان‌هایی مانند حزب الله لبنان، حماس و کشور سوریه را در منطقه دارد. جمهوری اسلامی ایران و هر کشور دیگری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی را در قبال تهدیدهای دشمنان به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد. اگر جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی، نوعی موازنه در حوزه منطقه‌ای به موازات تعامل‌گرایی فرا منطقه‌ای ایجاد کند، در آن شرایط، بسیاری از مخاطره‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای خود را کاهش می‌دهد. (مینائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). یکی از رهیافت‌های تأثیرگذار در کاهش تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.

پیمان‌های دفاعی مورد نظر ایران می‌تواند ماهیت دو جانبه و یا چند جانبه داشته باشد. کشوری که از ابزارهای مؤثر برای «قدرت‌سازی منطقه‌ای» برخوردار است، قادر خواهد بود تا زمینه‌های لازم برای اجرایی‌سازی پیمان دفاعی را فراهم آورد. از سوی دیگر باید تأکید داشت که پیمان دفاعی ماهیت آشکار و صریح دارد. چنین ماهیتی را می‌توان «پیمان دفاعی» دانست. زیرا به سایر بازیگران هشدار می‌دهد که هر گونه رفتار سیاسی و امنیتی می‌تواند با عکس‌العمل جمعی و مشترک بسیاری از کشورهای عضو پیمان رو به رو شود.

جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در زمره واحدهایی دانست که از یک سو به عنوان نمونه جدیدی از واحدهای سیاسی محسوب می‌شود و از طرف دیگر می‌توان آن را به عنوان نمادی از «قدرت انتقادی» در برابر نقش‌آفرینی محوری قدرت‌های بزرگ دانست. در چنین شرایطی، کار ویژه دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نقد عملی نشانه‌های تحرک هژمونیک آمریکا در سیاست بین‌الملل دانست.

تاریخ همکاری‌های دفاعی ایران نشان می‌دهد که پیمان‌های دفاعی ایران در دوران قبل از انقلاب تابعی از شرایط و نشانه‌های بین‌المللی بوده است. این امر در شرایطی که نقش سیاسی

و بین‌المللی ایران ارتقا یافت، از اهمیت و مطلوبیت متفاوتی برخوردار شده است. هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران منادی دفاع از موجودیت و جایگاه سیاسی کشورهای منطقه می‌باشد. این امر تاثیر خود را در نقش ملی ایران منعکس می‌سازد.

به‌طور کلی مواضع اتخاذ شده از سوی رهبران سیاسی و استراتژیست‌های ایران، بیانگر چگونگی نقش ملی ایران در حوزه سیاست دفاعی است. این امر براساس جلوه‌هایی از همکاری، مشارکت و همبستگی منطقه‌ای و ایدئولوژیک مفهوم می‌یابد. بر مبنای چگونگی نقش ملی ایران، تکالیف و وظایفی فراوری جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر گونه مواضع و رویکردی در حوزه دفاعی و استراتژیک، می‌بایست دارای پیامدهای اجرایی و عملی نیز باشد. موقعیت دفاعی ایران نه تنها براساس قالب‌های تاریخی و سنتی قابل تفسیر است، بلکه می‌توان آن را بر مبنای ضرورت‌های موجود سیاست دفاعی ایران در حوزه خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای جنوب غربی، آسیای مرکزی و قفقاز نیز مورد توجه و تحلیل قرار داد. هر یک از حوزه‌های جغرافیایی یاد شده را می‌توان به عنوان یکی از عرصه‌های همکاری دفاعی ایران دانست. به‌طور کلی بعد از پایان جنگ سرد، کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی دچار خلاء امنیتی و استراتژیک شده‌اند. انعکاس و بازتاب آن را می‌توان در جنگ قره‌باغ، منازعات آبخازیا و هم‌چنین بحران اوستیای جنوبی مورد توجه قرار داد. حادثه عقب‌نشینی روسیه از گرجستان و فشارهای بین‌المللی علیه روسیه را می‌توان در زمره نشانه‌هایی دانست که حوزه‌های ابهام بین‌المللی در عرصه‌های امنیتی را منعکس می‌سازد. بنابراین سازمان‌دهی پیمان‌های فاعی در فضای خلاء امنیتی در زمره ضرورت‌های استراتژیک محسوب می‌شود. (مصطفی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۷).

تجربه رژیم صهیونیستی نشان داده است که در بهترین حالت حکومت‌ها تنها می‌توانند مساله تروریسم را مدیریت کنند که برای این نوع مدیریت نیازمند اقدام نظامی تهاجمی، ابزارهای بالای امنیتی برای پیشگیری از حملات تروریستی عوامل تندرو و ایجاد ائتلاف با عناصر سیاسی معتدل هستیم (لنون، ۱۳۸۹: ۸۳).

بنابراین، توجه به نیازهای امنیتی مشروع ایران می‌تواند جمهوری اسلامی را برای پیگیری اهداف متعادل‌تری در منطقه یاری نماید. بخشی از دغدغه و نیازهای امنیتی ایران عبارتند از توان نظامی آمریکا و اسرائیل که برای مقابله با آن تلاش می‌کند... دیدگاه ایران نسبت به مسائل منطقه‌ای که امنیت این کشور را تهدید می‌کند- شاید جدا از حضور نظامی آمریکا در منطقه - گذشته از اینکه چه کسی در ایران بر سر قدرت باشد، هم‌چنان بدون تغییر باقی خواهد ماند... امروزه امنیت ایران بیشتر مبتنی بر استراتژی تدافعی است... ایران با مسایل جدی در منطقه روبه‌روست. ایران باید با ناآرامی و جنگ داخلی در چند کشور همسایه به ویژه در افغانستان مقابله کند... ایران از آن نگران است که پاکستان روز به روز بی‌ثبات‌تر شده و زیر نفوذ مسلمانان رادیکال سنی شبیه طالبان قرار گیرد... تحولات یاد شده نشان می‌دهد که این منطقه دربرگیرنده منازعات گوناگونی است که دارای ابعاد نظامی مهمی هستند و لاینحل باقی مانده‌اند... ساختار نیروی نظامی متعارف ایران از ضعف قابل ملاحظه‌ای رنج می‌برد و دچار

محدودیت های متنوعی است. به همین دلیل این کشور، هم چنان «استراتژی لانه ای» را تعقیب می کند.

راهبردهای تامین امنیت توسط نیروهای مسلح در قوانین برنامه توسعه

اول- الگوی راهبردی قانون برنامه ی اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران همان طور که بیان گردید موضوع امنیت ملی و تأمین آن در دو بخش هدف های کلی و خط مشی های این قانون مورد توجه قرار گرفته است. توجه به زمان تصویب این قانون و شرایط کشور پس از جنگ تحمیلی در تحلیل نگرش مقنن به تأمین امنیت ملی بسیار راهگشا خواهد بود؛ چرا که فارغ شدن از جنگ تحمیلی و امکان بروز هر حمله ی نظامی دیگر خواه ناخواه مقنن را به سمت پذیرش مبانی نظریه های امنیت سخت و اتخاذ الگوی راهبردی مناسب با آن؛ یعنی مکتب قدرت و برنامه ریزی برده است. از این رو در مواد مختلف این قانون شاهدیم تکیه بر تقویت هدفمند بنیه ی دفاعی کشور در تأمین امنیت ملی در اولویت قرار گرفته است.

دوم: الگوی راهبردی قانون برنامه ی دوم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران

اشاره به «رعایت اولویت در سرمایه گذاری های زیر بنایی و غیر زیر بنایی با هدف تکمیل طرح های نیمه تمام و تامین حداقل نیازهای دفاعی کشور» و توجه به «مشارکت عامه ی مردم در سازندگی کشور» در بند هشتم با عنایت به «حفظ امنیت ملی و ارزش های اسلامی» و «تقویت بنیه ی دفاعی کشور در حد نیاز و در محدوده ی سیاست هایی که اعلام می گردد» در بند دهم نشان از ضرورت تکمیل نگرش سنتی به مقوله ی تامین امنیت و لزوم حرکت به سمت نگرش های جدید را دارد. از این رو سیاست های این قانون توجه به الگوی راهبردی قدرت و برنامه ریزی برای تامین امنیت سخت جمهوری اسلامی، راهبردی است که در برنامه ی دوم توسعه و در امتداد تقویت بنیه ی نظامی پس از جنگ ضروری بوده است. در قانون این برنامه بررسی این خط مشی های اساسی نشان می دهد که مقنن قصد تکمیل امنیت سخت و حرکت از مبانی نظریه های امنیت سخت به سمت نظریات امنیت نرم را دارد، از این رو توجه به هویت انقلاب اسلامی و لزوم داشتن استراتژی سیاست خارجی و برقراری روابط حسنه با دولت های همسایه، جمهوری اسلامی ایران را در شروع برنامه ی دوم توسعه در موضوع امنیت ملی، نظام را به سمت ایده های امنیت منطقه ای رهنمون گردانده است. الگوهای راهبردی بکار رفته در این قانون علاوه بر مکتب قدرت، نگاه به الگوهای ذهنی و جامعه شناختی است.

سوم - الگوی راهبردی قانون برنامه ی سوم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران

در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، موارد مختلفی مورد نظر قرار گرفته است که از جمله آنها توجه به: «آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بلندمدت در برنامه ریزی ها مبتنی بر اصول (مختلف از جمله) ملاحظات امنیتی و دفاعی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی» است. تعالی نگاه از برنامه ی دوم در حوزه

ی تأمین امنیت ملی، در حوزه های فرهنگی و اجتماعی، راهبرد جمهوری اسلامی ایران را در این برهه ی تاریخی به سمت الگوهای ذهنی جامعه شناختی سوق داده است. در قانون این برنامه نیز مقنن درصدد است ابتدا زمینه ی تجهیز امکانات دفاعی کشور را ایجاد نموده و از طریق بکارگیری نیروهای مسلح در حوزه ی عمرانی کشور، توسعه ی منطقه ای را دامن بزند. از طرف دیگر تأکید بر مقوله ی تأمین امنیت از طرف آحاد مردم جامعه، که به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های نظریه های جدید امنیت است، قانون گذار را به سمت حمایت از بسیج بیست میلیونی و جایگاه بخشی قانونی به آن برده است. توجه به الگوی راهبردی برنامه ریزی در این قانون به خوبی زمینه ی توسعه ی کمی دفاعی و زیرساختی فرهنگی کشور را برای تأمین امنیت ملی فراهم نموده است. (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۷).

چهارم: الگوی راهبردی قانون برنامه ی چهارم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سیاست های کلی برنامه چهارم، تثبیت فضای فرهنگی داخلی و حرکت به سمت ابر قدرتی ایران در منطقه را در دستور کار خود قرار داده است. از همین رو در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری این سیاست ها توجه به «تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره ی تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی، تعمیق روحیه ی دشمن شناسی و شناخت ترندها و توطئه های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ی ظل مستیزی و مخالفت با سلطه گیری استکبار جهانی، مقابله با تهاجم فرهنگی، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیتهای کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان» مورد توجه قرار گرفته است.

چنین نگرشی لزوم پایبندی به الگوهای محیطی و یادگیری براساس نظریه ی ایده ی فرهنگ استراتژیک را طلب می نماید. در قانون این برنامه علاوه بر استمرار راهبردهای قانون برنامه ی سوم توسعه، توجه به فرهنگ سازی عمومی از طریق آموزش های متناسب، بالابردن سطح مشارکت مردم در اداره ی امور کشور و توجه به روابط اجتماعی افراد جامعه برای تأمین امنیت عمومی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس میتوان در تحلیل مبانی نظری این قانون، توجه به مؤلفه های تهدیدزای درونی برای امنیت ملی را در کنار مؤلفه های بیرونی، به خوبی مشاهده کرد. مؤلفه هایی که راهبردهای محیطی و یادگیری زمینه ی حل آنها را فراهم می نماید. پنجم: الگوی راهبردی قانون برنامه ی پنجم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بررسی این قانون نشان می دهد براساس آن در این برنامه، باید به تثبیت جایگاه ابر قدرتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و کشورهای اسلامی تحقق بخشید؛ از همین رو الگوهای راهبردی محیطی قدرت، باید بتواند ایران را از نظر نظامی و فرهنگی در محوریت قرار دهد. لذا در قانون برنامه ی پنجم نیز توجه به رویکردهای ایجابی در تأمین امنیت بر اساس نظریه های سنتی و مدرن امنیت ملی است. زیربنای امور دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این قانون تأکید

بر تأمین تجهیزات نظامی مدرن با تکیه بر دانش بومی و متناسب با ژئوپولیتیک منطقه در حوزه ی هوانیروز است که نشان از وجود تهدیدات سخت و لزوم توازن توان دفاعی در مقابل آن دارد. از طرف دیگر تأکید مقنن بر تقویت بسیج برای بکارگیری نیروی مردمی در راستای دفاع ملی در این قانون نیز همچون قوانین برنامه های توسعه ی گذشته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و این نکته نشان از توجه بیشتر قانونگذار به نیروهای مردمی در تأمین امنیت ملی دارد. جهت ایجاد فضای محیطی مناسب برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز براساس ماده ی ۲۱۰ این قانون، وزارت امور خارجه موظف است با بهره گیری از نظرات کارشناسان کلیه ی سازمان ها و نهادهای مسئول و به منظور اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت های اقتصادی در منطقه و نظام بین الملل و بسط گفتمان عدالت خواهی در روابط بین الملل، سیاست های مناسب را اتخاذ نماید.

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران به دلایل تاریخی و موقعیتی، با تهدیدات بسیار متنوعی روبرو است که برای شناخت، رده بندی، طیف بندی و گونه شناسی آنها ساختارها و سازوکارهای متعددی در کشور ما وجود دارد. در گونه شناسی تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران ما با تهدیدات نوینی روبرو هستیم که نمی توانیم بگوییم هویتی عینی داشته و در جغرافیای به خصوصی قرار دارد، ولی واقعیت وجودی آن غیرقابل انکار بوده و اگر با دقت و حساسیت لازم به آن توجه نشود، امنیت ملی کشور با تهدید استراتژیک روبرو خواهد شد. بررسی تهدیدهای انجام شده علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد تهدیدها در مرحله اول ماهیت سخت افزاری داشته و به تدریج با تغییرات ماهیتی، کارکردی و نشانه ای روبه رو شده است. تهدیدهای سخت افزاری به منظور مقابله با ساختار سیاسی ایران انجام گرفته است. در مرحله دوم، تهدیدهای امنیت ملی ماهیت نرم افزاری دارد و معطوف فرسایش قدرت ملی ایران است. نشانه های تهدید سخت افزاری به اقدامات محدودکننده علیه ایران در سیاست بین الملل مربوط می شود. فرآیند یادشده نشان می دهد در هر دوران تاریخی، شکل خاصی از تهدیدهای امنیتی علیه ساختار سیاسی ایران وجود داشته است. با توجه به موارد مطرح شده، نقش نیروهای مسلح در مقابله با تهدیدات امنیتی و نفوذ دشمنان نقشی مهم تلقی می گردد. از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی تا کنون، وجود ایدئولوژی دینی عامل اصلی و اساسی در تقویت نقش نیروهای مسلح در تأمین امنیت کشور بوده است. از سوی دیگر، از منظر دفاعی نیز با در نظر داشتن روندهای اصلی دهه های اولیه قرن بیست و یکم (انقلاب ژئوپلیتیکی، فشارهای جمعیتی و اجتماعی، ظهور بازارهای جهانی و وابسته به یکدیگر و انقلاب تکنولوژیکی)، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باید بتوانند نقش جدیدی در قدرت نظامی ایفا نمایند تا موجب ارتقای اقتدار ملی به اندازه سهمی که در آن دارند، بشوند.

نقش جدید و به هنگام نیروهای مسلح همانند سایر ابعاد قدرت، با توجه به آنچه که در بالا به عنوان تحولات جدید جهانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم اشاره شد، در شرایط کنونی مطرح است. یعنی دیگر انبوه جنگ افزارهای با تکنولوژی

دهه های گذشته و حجم زیاد نیروهای انسانی با دانش پایین در علون فنون دفاعی، پاسخگوی نیازهای دفاعی در حال و آینده می باشد. در چنین شرایطی لازم است با تدوین برنامه ریزی استراتژیک و محور قراردادن منافع و اهداف ملی، اقدام به تجدیدنظر در ساختارهای سازمانی، تجهیزات، نیروی انسانی، عوامل انگیزشی، نظام آموزشی، طبقه بندی مشاغل، سیستم فرماندهی و کنترل و ... نماییم تا بتوانیم نیروهای مسلح خود را بازسازی نموده و متناسب با نیازهای حال و آینده، در اختیار داشته باشیم. برای تحقق چنین شرایطی، لازم است سیاست های دفاعی - امنیتی و استراتژی نظامی خود را به طور شفاف تدوین نموده و در اختیار داشته باشیم.

تجدید نظر در ماموریت نیروها با هدف افزایش کیفیت و کاهش کمیت در سطوح مختلف، توأم با تأمین و تجهیز آنها به انواع جنگ افزارهای سازمانی به هنگام، بازنگری در طبقه بندی مشاغل نیروهای مسلح و پیش بینی ساختار آموزشی متناسب با آن و از جمله اقدامات مهمی است که به طور جدی باید به آنها پرداخته شود. چرا که دیگران (کشورهای همسایه، منطقه، دشمنان بالقوه و بالفعل) اینگونه عمل می کنند. حال اگر فرصت ها را از دست بدهیم در واقع، اقتدار ملی کشورمان را از جنبه سهمی که نیروهای مسلح باید موجب بالندگی و اعتلای آن شود، محروم ساخته ایم و آثار و تبعات چنین قصوری نسل های حال و آینده را با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت.

- اسماعیلی، محسن و حمید بالایی. ۱۳۹۲. الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- بوزان، باری. ۱۳۸۲. مردم، دولت ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیراسته، مرتضی. ۱۳۹۶. بررسی نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. شماره ۴۰.
- جعفری، محمد. ۱۳۹۵. تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر راهبرد اندیشه.
- حسینی، قاسم. ۱۳۷۶. عملیات روانی و جایگاه آن در نیروهای مسلح. تهران: نشر ظهور.
- رضاپور، صادق. ۱۳۸۹. سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر گستره.
- شفیعی زاده، فرزاد و صادق حاجی غلام. ۱۳۸۸. نقش نیروهای مسلح در تأمین امنیت. ماهنامه وصال. شماره ۴۶.
- عبداللهی، محمد. ۱۳۸۱. اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران. تهران: نشر انجمن جامعه شناسی ایران.
- عصاریان نژاد، حسین و محمد حسین صنیعی. ۱۳۸۶. مدیریت آسیب و کارآمدی دفاعی در نیروهای مسلح. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. سال هشتم، شماره ۳۰.
- عصاریان نژاد، حسین. ۱۳۸۱. آسیب شناسی استراتژیهای امنیتی. تهران: فارابی.
- غفوری، محمد. ۱۳۸۶. اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار سیاسی پیامبر. تهران: نشر مهاجر.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۸. الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران. مجله روابط خارجی. سال اول، شماره ۳.
- کامکار، مهدی. ۱۳۹۰. تهدیدات برون مرزی و راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر شمیم.
- کریمی نیا، رضا. ۱۳۸۸. نقش و جایگاه روانشناسی نظامی در نیروهای مسلح. فصلنامه روانشناسی نظامی. سال اول، شماره ۱.
- لنون، الکساندر. ۱۳۸۹. راهبردهای دفاعی در نیای مدرن. تهران: نشر راهبرد.
- محمدی، مهدی و علیرضا صابرفرد. ۱۳۹۲. ملاحظات امنیتی و حفاظتی در اکتساب فناوری دفاعی در جامعه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مقابله ای. فصلنامه پژوهش های حفاظتی - امنیتی دانشگاه امام حسین. سال دوم، شماره ۳.
- مصلی نژاد، عباس. ۱۳۹۰. ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی: رهیافت ها و فرایندها. فصلنامه ژئوپلیتیک سال هفتم، شماره اول.
- موسوی، میرطیب. ۱۳۸۳. ارتش و سیاست از نظر تا عمل. تهران: نشر مردم سالاری.
- مینائی، حسین و دیگران. ۱۳۹۶. ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود. فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸.

ولفرام، الکساندر. ۱۳۸۲. تهدیدات نامتقارن. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
هالستی، کی . جی. ۱۳۷۳. مبانی تحلیل سیاست بین الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و
بین المللی.